پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پانزدهم) دوشنبه ۲۷ جوزا - ۱۳۴۷ هـ - ۱۷ جون ۱۹۶۸ ع

مبارزات قهرمانانه کارگران رزمنده نساجی گلبهار

در شماره گذشته پرچم شرح مبسوطی پیرامون تظاهرات باشکوه کارگران فابریکه گلبهار، که باشتراک متعلمین لیسه میر مسجدی و بنوونځی متوسطه دهبالی و گروه انبوهی از دهقانان و پیشه‌وران، بتاریخ ۱۶ جوزا در باغ عمومی گلبهار تشکیل شده بود، تقدیم کردیم و اطلاع دادیم که تظاهرکنندگان در پایان تظاهرات آن روز باین فیصله رسیدند که بغرض ادامه مبارزه قانونی خویش برای تأمین خواست‌های معقول خود، بروز یکشنبه ۱۹ جوزا دوباره اجتماع نمایند.

طبق اطلاعات تازه بروز مذکور، بنا بر توطئه مقامات مسؤول فابریکه، وسایل حمل‌ونقل کارگران بمنظور دور نگهداشتن آنان از محل متوقف ساخته شده بود، معهذا کارگران مبارز و مصمم فابریکه از فاصله‌های ۱۰ – ۲۰ کیلومتری خود را بمحل موعود رسانیدند. درین روز علی‌رغم تلاش‌های مذبوحانه مقامات اخلال گر، در حدود هشت هزار نفر در میتینگ‌های که در باغ عمومی گلبهار با شور و هیجان قابل وصفی تشکیل شد بشمول کارگران، شاگردان لیسه‌های میر مسجدی و نعمان، بنوونځی‌های متوسطه دهبالی، گلبهار، جبل‌السراج و دهقانان نواحی دور و نزدیک اشتراک ورزیدند.

این میتینگ با ایراد مضامین و اشعار پر حرارت، شورانگیز و الهام‌بخش اشتراک کنندگان تا ساعت دو بعدازظهر ادامه داشت. آنگاه کارگران اطلاع حاصل کردند که توطئه‌یی در کار است تا با ایجاد تفرقه بین ایشان آنان را مجبور به تسلیم و بازگشت به فابریکه نمایند. بدین معنی که والی پروان با تنی چند از کارگران بغرض برآورده شدن این منظور داخل تماس گردید، ولی کارگران و شاگردان آگاه و بیدار، با وقوف باین دسیسه تخریب آمیز رفقای خود را هوشیار باش دادند و در نتیجه والی پروان مجبور شد به مطالبات قانونی کارگران تسلیم شود. او یادداشت کارگران را با خود گرفت و وعده داد که فردا بجواب قناعت بخشی در برابر آن خواهد پرداخت.

فردای آن روز (دوشنبه ۲۰ جوزا) دوباره کارگران شجاع نساجی به همراهی دانش‌آموزان آگاه، دهاقین ستمدیده و اهالی منطقه بمحل اجتماع حاضر شدند. این بار غریو دلیرانه تظاهرکنندگان که تعداد آنان متجاوز از ۱۲ هزار نفر بود، غرش پر توان و یک نواخت دریای خروشان گلبهار را در خود محو می‌کرد.

والی پروان دوباره در اجتماع ظاهر گردید، ولی نه تنها جواب مثبتی به خواست‌های کارگران نداشت، بلکه به ارایه دلیل معقولی هم بتواند از شدت احساسات تظاهرکنندگان بکاهد، موفق نشد.

در این هنگام ۷ نفر از وکلای نواحی مربوط در ولسی‌جرگه در محل اجتماع حاضر شد. آن‌ها کوشیدند بهر نحوی که ممکن شود به قناعت کارگران بپردازند، اما موثر نیفتاد و میسر نشد. یک تن از وکلا تقاضا کرد تا کارگران یادداشت خود را به وی تسلیم دهند و بروز پنجشنبه ۲۳ جوزا جواب بگیرند. کارگران که همیشه برای مذاکره و مفاهمه قانونی حاضرند این بار نیز یادداشت خود را به وکیل موصوف تقدیم کردند و اما همچنان بر تصمیم خود به ادامه اعتصاب استوار ماندند و اعلان کردند که تا خواست‌های‌شان برآورده نشود هرگز به بازگشت به فابریکه تن در ندهند.

ساعت ۷ روز پنجشنبه باز کارگران مبارز و پیگیر فابریکه به اشتراک دهقانان و متعلمان رزمنده و حتی شاگردان خورد سال مکاتب دهاتی نواحی دور و نزدیک و اهالی آنجا در محل مذکور اجتماع کردند. اکنون تعداد اشتراک کنندگان در حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار نفر تخمین می‌شد. ساعت ۱۱قبل از ظهر درحالی‌که فریاد لرزاننده شعارهای تظاهرکنندگان بر فضای گلبهار طنین می‌افگند، والی‌های پروان و کاپیسا به همراهی ۱۱ تن از وکلای ولسی‌جرگه بحضور کارگران حاضر شدند و بلافاصله به ابلاغ جواب بخواست‌های کارگران پرداختند.

در آغاز این جواب یکی از مطالبات عمده کارگران که عبارت از برکناری چهار تن از مأمورین استفاده جو و ستمگر اداره استثمار گر فابریکه بود، رد گردید. بنا بر آن کارگران به عواقب وخیم این امر و آینده غیر مصوون خویش در فابریکه ملتفت شده و فریاد کشیدند: »این فیصله به نفع ما صورت نگرفته، ما با این جواب قناعت نداریم و دلیرانه بمبارزات خود ادامه می‌دهیم.«

بالأخره در آخرین تماس نمایندگان کارگران با والیان و وکلا یادداشتی تنظیم شد که در آن به قانونی بودن تظاهرات و اینکه کارگران در مطالبات خویش حق بجانب می‌باشند، اعتراف گردیده است. و همچنان وعده داده‌شده که یادداشت کارگران بمقامات مسؤول مرکز تقدیم می‌شود.

معهذا والی‌ها و وکلای مذکور کوشیدند تا کارگران را باین قناعت برسانند که دوباره به فابریکه بازگشته، به اعتصاب خود خاتمه دهند. ولی کارگران مصمم و مبارز هرگز باین امر تن در نداده و اظهار داشتند: ما تا برآورده شدن خواست‌های خویش که مهمترین آن همانا برکناری چهار تن از مأمورین ستمگر فابریکه می‌باشد و به اعتراف شما همه آن قانونی و خواستنی است، از اعتصاب خویش دست نخواهیم برداشت و اما اگر مقامات مربوط خواست‌های ما را بر آورده سازند، ما حاضریم خساره فابریکه را از ناحیه توقف کار در جریان اعتصاب، بدون مزد جبیره نماییم.

در جریان این روز کارگران معیوب و قربانیان استثمار ظالمانه نساجی که در جریان کار سوخته و یا عضوی از اعضای بدن خود را از دست داده‌اند و بغرض اظهار دردهای خویش و مظالمی که در دوران کار در فابریکه از طرف کارفرمایان برایشان رفته است، درین مظاهره

راه‌پیمایی کارگران راه‌ساز و کوهکن پروژه پلخمری- شبرغان

ساعت شش صبح روز ۱۹ جوزا، آنگاه که آفتاب وادی سمنگان را از نور خود لبریز کرده بود، کارگران راه‌سازی از »حضرت سلطان «تحت این شعارها، راه‌پیمایی خود را آغاز کردند: »ما گرسنه ایم. نان می‌خواهیم. دوا می‌خواهیم. دستمزد عادلانه می‌خواهیم. ما از ظلم و استبداد بجان آمده ایم.«

کارگران راه‌سازی چندین کیلومتر راه را طی کردند و در طول راه تمام گروه‌های پراگنده راه‌سازان بایشان پیوستند و بقصد کابل تا فاصله ۳۷ کیلومتری شهر صنعتی پلخمری به پیشروی خود ادامه دادند. این‌ها همان کارگرانی استند که در سرطان ۱۳۳۷ برای نخستین بار با ماشین‌های غول‌پیکر از مدخل دره خنجان بر قلب هندوکش حمله بردند و طبیعت را به نفع انسان هموطن لگام زدند. ایشان درس نبرد خستگی‌ناپذیر علیه نیروهای خشن طبیعت را فراگرفته و در مجموع خود سازندگان یک بخش مهم تاریخ معاصر کشورند. راه‌سازان وقتا فوقتا در راه ساختمان کشور تلفات داده‌اند و با وجود هر نوع قربانی، با صبر و حوصله وطن‌پرستانه بلا انحراف در کار ساختمان وطن به پیش رفته‌اند.

هنوز ذرات خاک وطن از غرش ماشین‌ها و انفجار دینمنت‌ها در خم و پیچ دره‌ها و پهنای دشت‌های کشور ترانه عظمت این راه‌سازان را در خود حفظ کرده است. آنانی که در سایه‌ها نشستند، بر موترها سوار شدند و از نتایج خستگی‌ها، گرسنگی‌ها و محرومیت‌های قهرمانان راه‌ساز بمدال‌ها، رتبه‌ها و ثروت‌ها رسیدند، نباید بخود اجازه دهند که حقوق قانونی و حیات این زحمتکشان را بیشتر از پیش قربانی امیال غیرقانونی و غیرانسانی خود سازند. از لقمه ایشان بکاهند و بر تجمل خود بیفزایند.

خبریال پرچم اطلاع می‌دهد که آمرین و کارفرمایان پروژه، آنطرف کوتل رباطک با کارگران روبرو شدند. نخست با تهدید و بعداً با عذرخواهی و انواع حیل خواستند کارگران را از راه‌پیمایی‌شان منصرف سازند. ولی کارگران نظر به تجاربی که در مورد این آمرین داشتند، به وعده‌های ایشان اعتماد نکردند و همچنان به راه‌پیمایی خود ادامه دادند.

گفته می‌شود که بعداً وزیر فواید عامه، قوماندان عمومی قوایکار و رییس میخانیکی وزارت فواید عامه، در فاصله ۳۷ کیلومتری پلخمری با آنان داخل مذاکره شده و از ایشان تقاضا کردند که مطالبات خود را تحریری به آن‌ها بسپارند. هیأت آنان مطالبات کارگران را قانونی پنداشته و برای حل و فصل مطالبات راه‌سازان یکماه مهلت گرفتند.

خبریال پرچم می‌افزاید که مطالبات کارگران راه‌پیما مربوط بخواست تمام کارگران پروژه پلخمری، شبرغان بوده و مواد عمده آن قرار آتی است:

۱- عده زیاد کارگران ما از آغاز پروژه تا کنون درجه نگرفته و از معاش بسیار ناچیز ما علاوه برین که پنجصد افغانی بصورت غیرقانونی بنام تضمین وضع می‌کنند، یک مبلغ دیگر را بنام تقاعد، سکوک و غیره می‌گیرند که در حقیقت بما چیزی باقی نمی‌ماند. باید معاش ما مطابق نیازمندی‌های ما تغییر کند و در اخیر هر ماه مانند سایر دوایر اجرا شود.

۲- پولی که بنام بیمه صحی از ما می‌گیرند، هیچگونه خدمات موثر صحی در برابر آن بما انجام نمی‌دهند، بلکه بعضاً مجبور می‌شویم برای تداوی خود لوازم ضروری زندگی خود را بفروشیم، ما شرایط مناسب صحی و معالجه می‌خواهیم.

۳- غذای ما بسیار ناچیز و غیر صحی است (نان خشک که بما می‌دهند مناصفه آن ریگ و مواد دیگر است)

(ص ۲)

۳- د پښتونستان د ملی آزادی نهضت د ځوان مشر وینا

د خان عبدالولی خان د هغی شفاهی وینا متن چه آزادی او خپلواکی د شهیدانو د ورځی په مناسبت ئی د ثور په (۳) د پښتونستان د ولس د لویی مظاهری په وخت کښی کړی وهږ

زه یوه قصه درته کوم: یوه سړی سره یو لټ خر و، هغه تری ډیر تنګ راغي، ویل یې ځم دا خر بیا هم او په میله کی یې په چا خرڅومږ زمور دځی حکومت د ملګرو غوندی یو هوښیار سړی پری پیښ شو، هغه ورته وویل بهایی (ورووره) ولی دا خر خرڅوی؟ هغه وی لټ دی صاحبه، ما له ټک کار نکوی، هغه ورته وی هلکه دا لټان زه روانوم، هغه وی زه پری ډیر تنګ یم. زما د ګاونډی د ګازرو پټی له ځی او ګازری یی خوری او دهغه سړی جنګ ما له روارۍ. هغه ورته وی ښه ګازری یې خوښی دی؟ وی هو! وی نو بیا خو که خیر وی روان به شی. هغه د نر بچی یوه غټه ګازره وکتله او دلرګی پوری یې ځورنده کړی او لرګی یې د خره په څټ پوری و تاړه، هغه ګازره لاړه د خره دور بوزنه پنځه شپږ ګوتی مخکی ځورند شوه. خره چه ګازری ته وکتل په طبیعت کی شور شوندی یی ور اوږدی کړی خو ګازره ته کله ورسیدی. هغه ګازره مخکی خر ورپسی. هغی ګازری لټ خر روان که زمور ممبرانو ته یې هم دغسی مخکی پرمټ (جواز نامه) ځورند کړیدی، لا د کارخانی پرمټ (...) شل قسمه پرمټونه دی. خو د چا د مخکی ګازره ځورنده ده، هغه غریب نه آخوا ګوری، نه دا خوا ګوری او د ګازری پسی روان دی. نو د هغوی نه به تاسو څه ګیله وکړی. یوازی د هغوی نه ګیله نه شته. په هغو تیرو ورځو کی زمور په چار صده کی جلسه وه، نو هغو ملګرو مور ته وویل چه مور ته اوږه نه ملاویږی او زمور ګنی او تمباکو څوک نه اخلی. ما ورته ووې چه ورونو، خدایی خدمتګارو د پاچا خان په ملګرتیا کی تاسو ته یو حق ګټلی و. د ووټ حق، چه په هغه تاسو پدی ملک حکومت کاوه او هغه ووټ پرون تاسو د ممبرانو په حیثیت باندی لکه څنګه چه تاسو خپال کوی تاسو خرڅ کړ. نو چه ووټ مو خرڅ کړ ملک مو خرڅ کړ نو دا حق سبا له نلری چه څه ووایي لکه سړی چه کوټه خرڅه کړی او وایی چه بهایی دا کوټه ستا او دا اتاق پکی زما، هن چه ملک دی خرڅ کړه، خاوره دی خرڅه کړه ګنی دی ورسره خرڅ کړ غنم دی ورسره ګړیدهی، نو پرون چه تاسو دا ووټ خرڅ کړیدی او هغه چا چه تاسو ورله ووټ ورکړی دی. هغوی ووټ خرڅ کړیدی. نو هغوی دا ملک او قام هرڅه خرڅ کړیدی. نو ممبران هم داسی وایي چه هغوی دا ملک په بیه اخیستی و، هغوی اوس خپل کور پوره کوی او سبا له یی بیا ورته نیت دی، نو ددی وجهی نه تاسو ټولو له اوس دې خبری له فکر په کار دی. چه په داسی حالاتو کښی وزیران چه ما تاسو ته ووې ممبرانو ته یې ګازری ځورندی کړی او دوی خپل غرض اخیستی دی

تاسو خپل حق څنګه ګټی؟ صرف دا د سوچ خبره ده او هغه داسی ده چه قام بیا دغه شان یو ځای شی، را پاڅیږی او متحد شی لکه څنګه چه په کال ۱۹۳۰ کی د پرنګی پسی را پاڅیدلی وو او لکه څنګه چه ددې خپل غرض او مقصد د پاره تاسو په هغه وخت کې فربانی ورکړی وی، دغه شان سبا له بیا تاسو منظم او مستحکم ودریږی او داسی وو هغه خلک چه تاسو له یی له پرنګی نه حق اخیستی و نو بل لا څوک دی چه هغه ستاسو حق وخوری خو صرف فرق دا دی په کی چه که تاسو راپاڅیدی او هغه زړور لیونتوب مو په ځان رادستیده، نو زه وایمه چه هغه وخت یی ډیر زور غوښته اوس ډیر زور نه غواړی، اوس خبره ډیره ګرانه نده، د پلا نیکه پتی ګټل ګران و. هغه قبضه مور د پرنګی نه اخیستی ده. اوس خو صرف د پتی په حاصل او آمدن جګړه ده. نو دومره مې ستاسو په حضور کی عرض دی، ګرمی ده او تاسو ټول د لری لری ځایونو نه راغلی یی خو ما ستاسو په خدمت کی صرف دا عرض کاوه چه پدی ټولو خبرو تاسو ته پکار دی چه غوراو فکر وکړی او خپله وروروڼی را ټینګه کړی. خپل یو سیاسی تنظیم کی بیا را غونډه شی او په شریکه پاڅی او دوی ته دا وښایی چه د پښتون حق نه چا خوړلی دی او نه یی څوک خوړلی شی. او لکه چه مور د شهیدانو د دغی ورځی لپاره راغلی یو، تاسو پدی ملک کی وکتل چه هغوی د کوم غرض دپاره قربانی ورکړی وی. هغه غرض تر سره نشو، اوس مور له په کار دی چه د هغوی د غرض او مقصد د کامیابی د پاره مور ټول په شریکه ملا وتړو. مور حکومت ته دا خبره کوو د یونټ متعلق خبره بالکل واضح ده. مور پدی کی دوهمه خبره نه منو. لکه څنګه چه تاستو ته اجمل صاحب وویل چه کله د یونټ په حقله د مغربی پاکستان په اسمبلی کی یو تجویز پاس شویدی، چه هغی ته په هغه وخت کی د دوو سیاسی جماعتونو چه یو ته یی مسلم لیګ او بل ته یی ریپبلیکن پارټی وی، د هغوی دواړو مشترکه پالیسی دا وه چه یونټ دی مات شی. ما سره د هغوی د لاس لیکلی دستخونه پراته دی که څوک غواړی زه به یی ورته وښایم. د ریپبلیکن پارټی نه سر فیروز خان نون

(په دوهم مخ)

برخورد ضد قانونی پولیس با کارگران جنگلک

اعتصاب کارگران دلیر فابریکه جنگلک که در شماره‌های گذشته جریده پرچم مطالبی در باره آن نشر کردیم، در هفته گذشته همچنان ادامه داشت.

روز چهارشنبه ۲۲ جوزا چون کارگران از مذاکرات خود با مقامات مربوط فابریکه به نتیجه‌یی نرسیدند تصمیم گرفتند تا بمقامات بالاتر مراجعه نمایند. پولیس و ژاندارم که اطراف فابریکه را احاطه نموده بودند مانع خروج کارگران از فابریکه گردیده، آن‌ها را محاصره نمودند. در نتیجه این عمل زدوخورد شدیدی بین کارگران و پولیس رخداد.

کارگران سعی نمودند تا از راه چهل‌ستون خود را به شهر رسانیده و خواست‌های خود را با مقامات مسؤول در میان گذارند، اما پولیس آن‌ها را وادار به داخل شدن به فابریکه نمود و بعداً از روی لست سیاهی نام یکایک از کارگران را خوانده، یکعده از آن‌ها را رهسپار زندان کردند.

پرچم: این عمل ضد قانون و ضد دموکراتیک مقامات مربوط را تعرض آشکار بر ابتدایی ترین آزادی‌های مردم تلقی کرده، آن را جدا محکوم می‌نماید و دفاع از حقوق کارگران را وظیفه و رسالت تاریخی خود می‌داند.

(ص ۲)

تلخیص و ترجمه: میر اکبر خیبر

-۴-

وضع کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی

در این زمینه باید بطور خاص چند کلمه راجع به عناصر مترقی صحبت کرد. عناصر مترقی وطن‌پرستان پر حرارت، مبارزین سر سپرده در راه آزادی کشورشان از یوغ امپریالیزم و ترقی اجتماعی می‌باشند. آن‌ها علم برداران ایدیولوژی ای استند که به اعتراف خود دموکرات‌های انقلابی سلاحی می‌باشد که ثلث بشریت به واسطه آن به پیروزی درخشانی در مبارزه به خاطر سوسیالیزم نایل گردیده و بنیاد وسیعی را برای پیروزی‌های تازه در سراسر جهان بوجود آورده است. نخستین جامعه سوسیالیستی به اساس جهان‌بینی پیشرو آن‌ها ساخته شد و کشور عقب‌مانده و فقیری را به ارتفاعات رشد اقتصادی، تخنیکی و فرهنگی رسانید و بهبود مشخص و آشکار در حیات مردم آن بوجود آورد. همچنان دوران ۲۰ ساله رشد دموکراسی‌های توده‌ای بر اساس سوسیالیزم علمی نیز نیروی عظیم تغییردهنده آموزش جهان‌بینی پیشرو را باثبات رسانیده است. عناصر مترقی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق که با سلاح جهان‌بینی علمی مجهزند راهی را که باید جنبش آزادی‌بخش ملی در این کشورها بپیمایند بوضاحت تشخیص می‌دهند. آن‌ها در بانجام رساندن وظیفه وطن‌پرستانه خود ایدئولوژی‌شان را در خدمت ملت می‌گذارند و نظریات سوسیالیزم علمی را در حل پرابلم‌های مشخص کشورهای خود بکار می‌برند. عناصر مترقی دارای چنان کدرهای می‌باشند که در کوره مبارزات آبدیده شده‌اند و تجربه وسیعی در امور سازمان‌دهی و کار تبلیغاتی در بین توده‌ها دارند.

اتحاد و همکاری برادرانه بین عناصر مترقی و دموکرات‌های انقلابی به منفعت خلق‌ها و به نفع مبارزه آزادی‌بخش ملی می‌باشد. وجود اختلافات ایدئولوژیکی مانع سهم گیری مشترک عناصر مترقی و دموکرات‌های انقلابی در پیشبرد عملی پروگرام ترقی اجتماعی در مبارزه مشترک به خاطر آینده سوسیالیستی کشورهای نو به آزادی رسیده نمی‌باشد. در شرایط معاصر **ترقی اجتماعی مؤفقانه و سریع تنها از راه اتحاد با نیروهای سوسیالیزم علمی جهانی امکان‌پذیر است.**

آن‌هایی که چشم‌شان را تعصب ضدیت با کشورهای مترقی و خصومت با کشورهای مترقی و خصومت با جهان‌بینی علمی کور نموده، نمی‌توانند این راه را تعقیب کنند.

تصادفی نیست که ضدیت با جهان‌بینی علمی بحیث سلاح مهم از طرف امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی در مبارزه علیه رشد مترقی انقلابات آزادی‌بخش ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در کشورهایی که قدرت در دست دموکرات‌های انقلابی است شیوه‌های ملایم‌تر و ماهرانه‌تر ضدیت با سوسیالیزم علمی بکار برده می‌شود. تا همین نزدیکی‌ها امپریالیست‌ها ضدیت با جهان‌بینی علمی به برهنه‌ترین، خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال آن مورد استفاده قرار می‌دادند.

هر نوع کوشش جدی در راه تحکیم استقلال ملی، اتخاذ راه رشد مستقل اقتصادی و هر نوع انحراف از فلسفه به اصطلاح تشبث آزاد را عمل تخریبی اعلان می‌کردند و مورد حملات سخت قرار می‌دادند. ناکامی این سیاست بدنامی سرمایه‌داری و تلاش همگانی مردم برای اصلاحات اجتماعی، بالخصوص در کشورهای کم رشد توأم با اتخاذ سیاست‌های مترقی از طرف مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق، امپریالیست‌ها را مجبور نمود که تکتیک خود را تغییر دهند. جی. کرک رییس پوهنتون کولمبیا گفته است که محافل رسمی در کشورهای سرمایه‌داری بیش از پیش آمادگی خود را برای شناسایی این «واقعیت دوران معاصر» اعلان می‌دارند که «انکشاف آینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قسمت اعظم جهان طبق نمونه غرب نخواهد بود.»

آن‌ها مجبورند از حملات مستقیم بر سیاست‌های دولت‌های که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته‌اند، خودداری کنند. دیپلوماسی و تبلیغات امپریالیستی مصرانه می‌کوشد به اثبات رساند که جهان‌بینی مترقی و پیشرو «ایدئولوژی مناسبی برای جریان نو سازی و انکشاف» نیست و از این طریق «بدگمانی سالم» را در باره دولت‌های سوسیالیستی بوجود آورند (پ زیگموند. ایدئولوژی‌های ملل روبه انکشاف) امپریالیست‌ها هرچه بیشتر و اکثر توأم با اتهامات سنتی علیه کشورهای سوسیالیستی می‌خواهند ذخایر خود را با «تیوریهای» از قبیل «دوری مساویانه» کشورهای نو به آزادی رسیده از هردو بلاک، تقسیم جهان به ملت‌های «فقیر» و «غنی» و غیره غنی تر سازند. یا بعبارت دیگر کوشش فراوان بعمل می‌آورند تا کشورهای کم رشدی را که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته‌اند از دولت‌های سوسیالیستی، از ایدئولوژی پیشرو دور نگهدارند.

امپریالیست‌ها امیدوارند که بدین وسیله سد راه جریان طبعی رشد مزید اصلاحات اجتماعی و استحکام مواضع سوسیالیزم علمی در این کشورها گردیده و حتی جریان رشد آن‌ها را به عقب برگردانند.

بسیاری از نمایندگان دموکرات‌های انقلابی این تاکتیک‌های امپریالیستی را بخوبی تشخیص داده‌اند و خطرات بزرگی را که از ناحیه ضدیت با جهان‌بینی علمی متوجه آینده انقلابات آزادی‌بخش ملی می‌باشد تخمین و ارزیابی می‌نمایند.

مبارزه‌یی که در آخرین مرحله انقلابات آزادی‌بخش ملی صورت می‌گیرد، هم از نظر سرنوشت مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق و هم بطور عموم از نظر جنبش آزادی‌بخش جهانی اهمیت فراوان دارد. این یک مبارزه مشکل، البته مشکل‌تر از مبارزه در مرحله گذشته انقلاب می‌باشد. مشکل این مبارزه تنها در رهگذر پیچیدگی و عمق موضوعاتی که در برابر آن قرار دارد، و مقاومت شدیدی که امپریالیست‌ها در برابر رشد مزید انقلاب می‌نمایند نیست، بلکه همچنان از ناحیه «موادی» که پایه اجتماعی انقلاب را در این کشورها تشکیل می‌دهد می‌باشد. در بسیاری از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق بنا بر ضعف طبقه کارگر محلی است که توده‌های وسیع دهقانان و مالکین کوچک که غرش مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری آن‌ها را از خواب فیودالی و حتی ماقبل فیودالی بیدار کرده است، خطوط اول انقلاباتی را که هدف آن تعمیق تغییرات اجتماعی است اشغال می‌نمایند.

طبعیست که آن‌ها تعصبات، گمراهی‌ها و تزلزل‌های مخصوص‌شان را به جریان انقلابی با خود می‌آورند.

ولی عروج انقلابی توده‌هایی که در مرحله اول انقلاب که از آتش پیکار ضد امپریالیستی بیرون آمده‌اند، تناسب جدید قوا در جهان امروزی، پشتیبانی‌ای که کشورهای سوسیالیستی و نهضت بین‌المللی طبقه کارگر از جنبش آزادی‌بخش ملی می‌نمایند، همه اطمینان می‌دهد که جنبش آزادی‌بخش ملی معضلات جدید خود را مؤفقانه حل خواهد کرد و به پیروزی‌های نایل خواهد شد که از نظر اهمیت خود کمتر از پیروزی‌های نخواهد بود که کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق تا اکنون بدست آورده‌اند.

از (ص اول)

در باره انحراف راست ...

نظام سرمایه‌داری روز به روز صحت تعالیم جهان‌بینی علمی را در باره تشدید تضادها و تناقضات جامعه سرمایه‌داری و تشدید مبارزه طبقاتی تأیید می‌کند و توده‌های مردم بصورت روزافزون به تجربه می‌آموزند که نظام سرمایه‌داری و حکومت بورژوازیی آله رنج و عذاب برای صدها میلیون افراد زحمتکش، اصطلاح جهان آزاد امپریالیستی، جهان ترور و آدمکشی «جهان استثمار و بی حقی، جهان پایمال کننده شئون و حیثیت انسانی و عزت نفس ملی، جهان ظلمت پرستی و ارتجاع سیاسی، جهان عنان گسیختگی ملیتاریستی (نظامیگری) و سرکوب خونین زحمتکشان» است.

برین اساس منحرفین راست (سوسیال رفورمیست‌ها) با امپریالیزم در سازش دایمی و همکاری‌اند و در بسیاری موارد نقش کاملاً ارتجاعی و ضد خلقی و ضد انسانی ایفا می‌کنند و همدست ارتجاع، استعمار و امپریالیزم می‌باشند، و ضد نیروهای مترقی، ضد جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و تغییرات بنیادی و کیفی و ضد خلقی در خدمت استبداد قرار می‌گیرند. ولی باید در نظر داشت که تجربه تاریخی هم ورشکستگی ایدیولوژی و هم ورشکستگی سیاست سوسیال رفورمیزم را نشان داده است و جهان‌بینی علمی که منافع حیاتی طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه بشری را منعکس می‌سازد، به پیروزی‌های روزافزون نایل می‌شود. معهذالک هیچ وقت نباید نظر خود را از خطری که از ناحیه تجدیدنظر طلبی و ابن‌الوقتی (اپورتونیزم) راست در جنبش مترقی و پیشرو عصر ما پدید می‌آید دور داشت و باید در چهارچوب اصول علیه آن دلیرانه مبارزه کرد.

جریان انحرافی خورده بورژوایی چپ:

تجربه تاریخ مبین این حقیقت است که در کشورهای عقب‌مانده چه در جریان جنبش و چه در زمان تحولات جدی، در نظام اجتماعی کهنه، انحراف چپ که انعکاس روحیه خورده بورژوایی متزلزل، پر عقده و عصبانی است، شدت می‌یابد. این وضع در جهان کنونی به خصوص در آن کشور بزرگی که دارای سن دیرین شوینیزم عظمت طلبانه است و به هنگام در برابر روحیات انقلابی گری کاذب خورده بورژوازی و بورژوازی مقابله نگردیده است، در شرایط حدت مبارزه طبقاتی شدت بیشتری کسب می‌کند. در چنین شرایطی است که خودکامی سیستم خورده بورژوازی و هرج‌ومرج طلبی، انقلابی گری یا ماجراجویی که با عمل انقلاب علمی وجه مشترک ندارد بروز می‌کند. نقش توده‌های خلق تنزل داده می‌شود و در عوض نقش «پیشوای کبیر ...» پیش کشیده می‌شود و در نتیجه اراده و ذهن گروه هواخواه آن در عرصه ملی و بین‌المللی برین قرار می‌گیرد که باید با یک ضربت، با یک جهش دیوانه‌وار، در سمت «تازاندن» و «سوختاندن» مراحل ضروری جنبش، با یک یورش برای گذشتن از تمام مراحل ضروری و تسریع جنبش بر مبنای تحمیل اراده یک فرد یا یک گروه منفرد از خلق و طبق نسخه منحصر بفرد انقلاب، تلاش‌های ماورای انقلابی در تمام جهان سرمایه‌داری غرب و کشورهای کی رشد آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بصورت یکسان و هم شکل بعمل آید. تاریخ نمونه‌های فراوانی را در جهان می‌شناسد که در آن کسانی که در جنبش آزادی‌بخش ملی و یا در جنبش بورژوا- دموکراتیک و حتی در جنبش سوسیالیستی شرکت داشته‌اند، هنگام تحول کیفی گذار بمرحله مترقی تر اجتماعی نسبت به جهان‌بینی علمی و اندیشه‌های پیشرو در مواضع خصمانه و اندیشه‌های پیشرو در مواضع خصمانه قرارگرفته‌اند. در مراحل پیچیده این مراحل کیفی و گذار است که حزب و رهبران خورده بورژوایی دستخوش چرخش و دگرگونی می‌گردند و در نتیجه انحراف و خصومت آشکار آن‌ها در برابر جهان‌بینی علمی بروز می کند و خطر جدی برای پیروزی‌های نیروهای ترقی‌خواه بوجود می آورد. شکست سیاسی و تغییر چهره این نوع افراد در کشورهای مختلف جهان یک امر تصادفی نیست، بلکه معلول موضع طبقاتی، نظریات تئوریک و چگونگی درک آنان از سیاست و تاکتیک است. لذا سقوط آنان نتیجه اشتباهات جداگانه و عقب نشینی های معین از مواضع جهان‌بینی علمی نیست، بلکه نتیجه فلسفه غلط و خط مشی نادرست انحراف چپ خورده بورژوایی است که منحیث المجموع نظریات آن‌ها را از موضع شوینیزم عظیم و عظمت طلبانه و ماجراجویی خورده بورژوایی بسمت ابتذال و تجدیدنظر در جهان‌بینی علمی میکشاند و اسم آن را «مرحله عالی» تکامل جهان‌بینی علمی اعلام می‌کنند. درحالی‌که این «مرحله عالی» نطق نوین و مترقی را با سفسطه و شیوه التقاطی، درک مادی تاریخ را با اصالت اراده و ذهنی گری، تئوری مبارزه طبقاتی و تئوری علمی انقلاب را در واقع با درک ملیتاریستی (نظامیگری) تبدیل می‌کند. همچنین این منحرفین در عمل نقش رهبری زحمتکشان، نقش سازمان سیاسی را بمثابه پیشاهنگ طبقه کارگر، نقش توده‌های مردم را به مثابه نیروی عمده و تعیین کننده تکامل جامعه در تاریخ نفی می‌کنند و درعوض اندیشه «قهرمانان» را به مثابه محرک عمده تاریخ و عبودیت و ایمان به نیروی خارق العاده «پیشوای کبیر (!)» و تبلیغ عنان گسیخته کیش شخصیت را مطمح عمل و نظر قرار می‌دهند. این گروهای صف شکن و «انقلابی نما» در جهان بنابر روحیه خورده بورژوایی و ماجراجویانه خویش نه تنها در هر کشور جداگانه تفسیرات و توجیهات نادرستی را پیش میکشند و عمدا ختلافات را دامن می‌زنند و باعث انشعاب و تفرقه در بین نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه می‌گردند و در آخرین تحلیل وسیله و بهانه تحریکات امپریالیستی و ارتجاع قرار می‌گیرند، بلکه تفسیرات نادرست و ضد جهان‌بینی علمی خلاق و ضد قانون عینی تکامل دوران معاصر جهان من‌جمله تفسیرات نادرست در برابر تضادهای اساسی دوران ما، در باره نقش جهانی سوسیالیزم، جنبش کاری و جنبش آزادی‌بخش ملی، در مسایل جنگ و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، در باره اشکال گذار به سوسیالیزم در زمینه نقش شخصیت در تاریخ ... و غیره، نیز می‌نمایند که همه از انحراف خورده بورژوازی، و «بیماری کودکانه چپ روی ...» سرچشمه می‌گیرد.

بطور مثال: «فقط یک خورده بورژوازی "مافوق" انقلابی می‌تواند بخواهد که انقلاب "فورا" و "در همه جا" بدون در نظر گرفتن شرایط قطعی موجود و تناسب قوا "شروع شود". فقط اوست که می‌تواند بر ضد استفاده از راه مسالمت‌آمیز انقلاب اقدام کند. زیرا یگانه معیار "انقلابی بودن" برای او – توسل به اعمال جبر است، قطع نظر ازین موضوع که اوضاع ایجاب کند یا خیر.»

آیا شرایط و وضع انقلابی آماده است یا خیر.

بدین جهت گروه‌های چپ رو خورده بورژوایی در بعضی از کشورهای جهان در انحراف چپ تا جایی لغزیده‌اند، که اکنون بسیاری از اندیشه‌ها و تمایلات و روش تجزیه‌طلبانه و انشعابگرانه خود را از تروتسکیزم گرفته‌اند. جنبش‌های کنونی در پاره‌یی از کشورهای عقب‌مانده آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین بیان‌کننده این حقیقت است که تمام منحرفین چپ و رانده شدگان سازمان‌های مترقی، انارشیست‌ها، تروتسکیست‌ها، تروریست‌ها، ماجراجویان، جواسیس ارتجاع، کینه جویان منفرد، جنایتکاران، عمال سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی، مزدوران انحصارات بزرگ سرمایه‌داری، مرتجعین، نژادپرستان، فاشیست‌ها و باندهای آدمکشی برای ایجاد محیط جنگ و راه دادن رشد سرمایه‌داری، استعمار و امپریالیزم، استبداد و دیکتاتوری و اختناق عملاً در یک جبهه قرارگرفته‌اند و از طریق دشنام و ناسزا و وارد ساختن اتهام، دروغ، حملات هستریک (جنون‌آمیز) و بدنام کردن جنبش علمی انقلابی و عناصر و نیروهای صدیق ترقی‌خواه وطن‌پرست و دموکراتیک به بد ترین مبارزه به نفع ارتجاع دست می‌زنند و در نتیجه باعث شکست جنبش‌های رهایی‌بخش و مسدود ساختن راه آزادی و ترقی اجتماعی و دموکراسی که جز لاینفک مبارزه در راه سوسیالیزم است، می‌گردند.

منحرفین و تجدیدنظر طلبان چپ در جهان با طرح سیاست ناشیانه خود کام خویش عملاً وظیفه پولیس ارتجاع بین‌المللی را ایفا می‌کنند و با تمام جسارت دست به فتنه‌گری و افشاگری نیروهای ترقی‌خواه اصیل می‌زنند تا کار پولیس ارتجاع را آسان کرده باشند و نیروهای افراطی دست راستی را به کرسی قدرت تثبیت نمایند و دستاوردهای دموکراتیک مردم را از بین به برند.

این تمایل بدعت آمیز انحراف چپ و گروه «پیشوا پرستان »درحالی‌که مبارزه طبقاتی را تابع قوانین جنگ می‌دانند، در باره صلح و جنگ و انقلاب به شیوه امپریالیزم جنگ‌طلب چنین استدلال می‌کنند و با خونسردی میگویند: «اگر در جنگ جهانی نیمی از جامعه بشری نابود گردد، نیمی دیگر باقی میماند ... » این‌ها در حقیقت طبق دستور و نسخه متحدالمال «صدور»

(در ص ۳)

از (ص اول)

راه‌پیمایی کارگران راه‌ساز و ...

نباید با انسان‌هایی که شب و روز مصروف خدمت‌اند، چنان معامله شود.

۴- اجیرانی که در سه چهار سال باین‌طرف روی خانه را ندیده‌اند، وقتی با وصف موافقه انجنیر، به مقام مربوط مراجعه می‌کنند، به ایشان گفته می‌شود «عریضه را تعویذ کرده بگردن ببند» اگر رخصت گیرنده اصرار ورزد، غالباً مورد لت و کوب قرار می‌گیرد و بعد بصورت معمول برایش گفته می‌شود، اگر از رخصتی منصرف نمی‌شوید، شما را برای همیش رخصت می‌دهیم. ما کارگران جدا می‌خواهیم این وضع غیرقانونی خاتمه پذیرد و حقوق رخصتی ما را (سالانه ۷۰ روز) بدون موانع بما بدهند.

۵- موترهایی که در جریان کار خساره‌مند می‌شوند، ترمیم خساره وارده خلاف انصاف از طرف آمرین پروژه بر دریوران تاوان می‌شود. ما ختم این روش خلاف قانون را می‌خواهیم.

۶- پطرولی که برای کار موترها داده می‌شود با وصف اینکه به حساب کیلومتر به مصرف می‌رسد با آن هم دریوران در اخیر هر ماه باقی می‌شوند و تحویلداران توزیع پطرول فاضل، علت معلوم نیست.

۷- هر کارگر تازه‌وارد مجبور است برای شمول در کار رشوه بپردازد و یا از اولین معاش خود کارسازی کند و در غیر این، هیچگونه صفاتی مانند مهارت، سابقه‌داری و لیاقت معیار کار نیست.

۸- کرامت انسانی کارگران مورد تعرض دایمی آمران است، استبداد ظلم و سؤاستفاده‌های شخصی و انواع بیداد بر کارگران تحمیل می‌شود که باید هرچه زودتر در اصلاح و رفع آن اقدامات شود.«

مطالبات راه‌سازان قهرمان قانونی است. بسا از مصارف تجملی و زائد دولت و بسا از بی‌نظمی‌ها و دستردها که اگر تحت کنترول آیند و به نفع کارگران بکار روند، ده‌ها ضرورت فوری کارگران را تکافو می‌کند و در ایجاد کار بیشتر و عمران بیشتر اثر می‌گذارد.

پرچم: هم آهنگی و حمایت کامل خود را از خواست کارگران کوهکن و راه‌ساز پروژه پلخمری- شبرغان اعلام می‌دارد و وظیفه خود می‌داند فریاد عادلانه این کارگران را توسط نشرات خود به مردم افغانستان برساند.

(د لمړی مخ پاتې)

د پښتونستان . . .

چه هغه د هغوی چیرمین و، د هغه دستخط ما سره پروت دی او د مسلم لیګ د پارټی نه اول دپارتمنټ د پارټی د لید په حیثیت د سردار بهادر خان ... مګر هغه ته دا خبره وشوه چه چونکه ته د پارټی د مسلم لیګ ... نو دهغی سره سره د ټول پاکستان د مسلم لیګ ... د کمیټی د لوی سکرټر قاضی عیسی دستخط کړی کاغذ دی ما سره چه هغه وایی یونټ دی مات شی.

(نوربیا)

(از ص اول)

مبارزات قهرمانانه ...

اشتراک کرده بودند. گزارش‌های دردناکی از شیوه استثمار تحمل شکن و شرایط ناگوار کار در فابریکه دادند که در ایجاد تاثر و هیجانات مظاهره چیان تأثیر عمیقی بجا گذاشت. در پایان فیصله گردید تا بروز دوشنبه (امروز) دوباره اجتماع نموده و جواب موعود را در برابر خواست‌های خویش تقاضا نمایند و همچنان با استفاده از تجارب چند روز اخیر که مقامات حکومتی و شرکت نساجی ذریعه تهدید و رشوه در میان اشخاص بانفوذ محل رخنه نموده بودند و بدین وسیله می‌خواستند صفوف کارگران را پراگنده سازند، اعلام نمودند تا در آینده نیز مانند گذشته هوشیاری خود را حفظ نموده و به هیچ نیرویی اجازه ندهند تا با تهدید و تطمیع و یا ماجراجویی صفوف ایشان را پراگنده سازد و همچنان با حفظ نظم آهنین و با انضباط آگاهانه کارگری بطور مسالمت‌آمیز بمبارزات قانونی خویش ادامه دهند.

پرچم: این مبارزه قهرمانانه کارگران نساجی گلبهار را موجی از امواج پرتوان جنبش کارگری کشور تلقی کرده و این آگاهی روزافزون طبقه جوان کارگر را طلیعه رهایی رحمت کشان از یوغ سرمایه و ستم می‌داند.

از (ص ۲)

در باره انحراف راست ...

انقلاب از طریق جنگ موعظه می‌کنند. درین صورت هرگاه طبق فرمایش و دستور و نسخه متحدالشکل آن‌ها دست به جنگ تباه کن زده نشود و در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله صورت نگیرد و از انقلاب پی در پی جهانی تروتسکیزم پیروی نگردد، معنی‌اش آن است که این امر تبانی با امپریالیزم آمریکا و در موضع «مدافعین استعمار نوین» قرار گرفتن و دچار «رویزیونیزم» شدن است. این هواداران گوش بفرمان درحالی‌که خودشان بصورت سری و علنی با امپریالیزم جنگ‌طلب در سازش‌اند، بدون اینکه در مورد آنچه که برای دیگران موعظه می‌کنند گام عملی بردارند، خود مصداق این ضرب‌المثل چینی می‌شوند: «جنگ ببرها را از بالای کوه باید تماشا کرد». آیا آنان این مقصد را ندارند که نیروهای صلح، آزادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی و جوامع نوین بشری و میلیون‌ها انسان سیاره ما را قربان آتش جنگ جهانی گردانند و خود «از بالای کوه» تماشاگر معرکه باشند؟ آیا سیاست ناشی از انحراف خورده بورژوایی و فتنه‌انگیزانه و ماجراجویانه آنان نبود که زمینه را برای قربانی دردناک صدها هزار انسان شریف و مترقی بدست ارتجاع سیاه در اندونیزیا مساعد ساخته و محصول ده‌ها سال مبارزه انقلابی میلیون‌ها مردم فداکار و زحمتکش را فدای هوس انقلابی گری خویش کردند و آنچه را که بقیمت رنج‌های عظیم و مشقت بدست آمده بود به سرنوشت غم انگیز و فجیعی مواجه ساخته و همچنان به شیوه فتنه‌انگیزانه دیگری نیروهای ترقی‌خواه هند را مواجه بشکست وحشتناک گردانیدند.

آیا هم اکنون این گروه‌های ماجراجو به همدستی مرتجعین و سازمان جاسوسی آمریکا در فرانسه موجب تفتین و نفاق در بین نیروهای رهایی‌بخش کارگران و محصلان نشدند و عملاً آله و وسیله ارتجاع بین‌المللی قرار نگرفتند و نهضت را به طرف انحراف چپ و در نتیجه به نفع ارتجاع نمی‌کشانیدند؟

و ده‌ها مثال دیگر ...!

اینست سرچشمه عقل و کیاست سیاسی و سیاست دگرگونی آقایان (!)

نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست درحالی‌که از نبرد عادلانه ملل تحت ستم برای استقرار استقلال و آزادی دلیرانه دفاع می‌نمایند، مبارزه پیگیر به خاطر صلح را نه فقط به عنوان اجرای ماموریت تاریخی خود در مقابل بشریت، برای جلوگیری از امحای ملت ها در آتش جنگ هستوی ترمیک تلقی می‌کنند، بلکه به عنوان مهمترین شرط بنای موفقیت‌آمیز دنیای نوین و مترقی و توسعه مبارزه زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های آزادی‌بخش زیر یوغ امپریالیزم نیز تلقی می‌نمایند.

این تیوریسن‌های خورده بورژوایی «برای اینکه حتی‌الامکان به اتهامات کثیف خود صورت حقیقت بدهند، متوسل به شیوه ساده و قدیمی می‌شوند، بدین ترتیب: درحالی‌که دو پدیده جریان اجتماعی را بطور مصنوعی از هم جدا می‌کنند، مبارزه به خاطر صلح را رو بروی نهضت انقلابی قرار می‌دهند و طوری وانمود می‌سازند که گویا این مهمترین وظایف، یکدیگر خود را نفی می‌کنند.

طبق نقشه ... آن‌ها چنین معلوم می‌شود که کسی که به خاطر صلح و به خاطر جلوگیری از جنگ جهانی مبارزه می‌کند، مخالف انقلاب است و مانع مبارزه انقلابی می‌شود.»

باید خاطرنشان ساخت که پیدایش نیروهای عظیم صلح و سیستم‌های نوین اجتماعی آزادی عمل امپریالیست‌ها را در صحنه بین‌المللی محدود ساخته است، به این معنی که دیگر امپریالیزم در نیم‌قرن اخیر تفوق و برتری خود را در عرصه جهانی از دست داده است. اکنون ملت‌ها نیروهایی در دست دارند تا با فعالیت‌های هماهنگ خود از ظهور جنگ جدید جهانی جلوگیری کنند. معهذالک جدا باید متوجه بود تا زمانی که امپریالیزم در جهان موجود است، خطر جنگ‌های ظالمانه نیز وجود خواهد داشت. جنگ تجاوزکارانه ایالات‌متحده آمریکا در ویتنام، تجاوز اسراییل علیه ملل آزادی دوست عرب که به وسیله امپریالیزم تدارک دیده شده بود و ده‌ها عملیات تحریک‌آمیز و سیاست تجاوزکارانه دیگر امپریالیزم همه حاکی از این امر می‌باشد. لذا برای لگام زدن ارتجاع بین‌المللی و امکان ندادن به امپریالیزم که بشریت را به مغاک جنگ جهانی بکشاند، هوشیاری دایمی و تجهیز کلیه نیروهای ملل صلحدوست و آمادگی آن‌ها را برای دادن جواب دندان‌شکن به اقدامات تجاوزکارانه امپریالیزم ایجاب می‌کند.

لذا باز هم باید به این اصل اساسی جدا متوجه بود که علیرغم اتهامات بدون دلیل «انقلابی نماها» پیروان صدیق و اصولی جهان‌بینی علمی «ضمن تقبیح و محکوم کردن جنگهای امپریالیستی، جنگهای بمنظور دفاع از پیروزی‌های ملل در برابر تجاوز امپریالیستی و به خاطر استقلال ملی و جنگهای طبقات انقلابی را بمنظور رفع تلاش‌های نیروهای ارتجاعی برای اینکه حاکمیت خود را بکمک اسلحه حفظ نموده و یا اعاده نمایند، جنگهای عادلانه می‌دانند و ازین جنگها پشتیبانی می‌نمایند.» درین زمینه عمل بهترین ملاک حقیقت است نه حرافی جنگ‌طلبانه.

شگفت‌انگیز تر اینکه این گروه‌های منحرف خورده بورژوایی انقلابی نما علی‌الرغم اصول جهان‌بینی علمی جسارت می‌کنند که سیاست عالیه همزیستی مسالمت‌آمیز را نفی کنند و یا از آن تفسیرها و تعبیرهای نادرستی به نفع ارتجاع و شعله افروزان جنگ بنمایند.

باید خاطرنشان کرد که اصل همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌های دارای نظام‌های اجتماعی گوناگون هیچگاه به معنی همزیستی و آشتی ایدیولوژی و طبقات متخاصم نیست. «سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز با منافع اساسی همه خلق‌ها و همه مردمی که خواهان جنگهای خونین جدید نیستند و در راه صلح پایدار میکوشند، مطابقت دارد ... همزیستی مسالمت‌آمیز دول آنطوریکه تجدیدنظر طلبان ادعا می‌کنند، به هیچوجه بمعنی انصراف از مبارزه طبقاتی نیست ...»

...«در شرایط همزیستی مسالمت‌آمیز امکانات مناسبی برای رشد مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش نجات بخش ملی خلق‌ها در کشورهای مستعمره و وابسته بوجود میآید. متقابلا موفقیتهای مبارزه طبقاتی و مبارزه نجات بخش ملی به تحکیم مبارزه طبقاتی کمک می‌کند.»

صرفنظر ازین که منبع خلاق بروز اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در کجاست، بعلاوه روشن است که پنج اصل (پانچا شیلا) چوانلای- نهرو بنام اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در کنفرانس باندونگ که از کشورهای آسیا و آفریقا تشکیل گردید تا ده اصل بسط یافته است. توجه بفرمایند درین کنفرانس کشورهای امپریالیستی شرکت نداشتند!

همزیستی مسالمت‌آمیز محتوای نکات زیرین است:

- دست برداشتن از جنگ به عنوان وسیله حل مسایل مورد اختلاف بین دول و حل این مسایل از طریق مذاکره؛
- برابری حقوق، تفاهم و اعتماد متقابل بین دول، در نظر گرفتن منافع یکدیگر؛
- عدم مداخله در امور داخلی، قبول حق هر ملت برای حل مستقل کلیه مسایل کشور خویش؛
- رعایت اکید احترام حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها؛
- بسط دامنه همکاری اقتصادی و فرهنگی بر بنیاد برابری کامل و رعایت منافع متقابل.»

اکنون خواننده قضاوت کند که آیا نفی اصول همزیستی مسالمت‌آمیز فوق که به مثابه ضرورت عینی تکامل جامعه بشری تلقی می‌گردد دلیل بر انقلابی بودن می‌گردد؟ آیا کسانی که این اصول را تأیید می‌کنند همدست با ارتجاع‌اند و به اصطلاح مدافعین استعمار نوین‌اند؟ و یا خود با نفی آن در لجنزار تاریخ سقوط می‌کنند. بهر حال باید خاطرنشان ساخت که ایدیولوگ‌های امپریالیستی در تفسیر همزیستی مسالمت‌آمیز مشابه به انحراف خورده بورژوایی موضع دیگری دارند و با میل خود به همزیستی تسلیم نمی‌گردند. امپریالیزم تا جاییکه ممکن است سیاست تهاجمی و اشغالگرانه و سیاست مداخله جویی را در امور کشورهای دیگر تعقیب می‌نمایند. این نیروهای صلح و دموکراسی، آزادی و سوسیالیزم در جهان هستند که رعایت اصول همزیستی مسالمت‌آمیز را بوی تحمیل می‌نمایند. ولی جای تعجب اینست که گروه‌های چپ رو در جهان نیز سیاست اصیل همزیستی مسالمت‌آمیز را نفی می‌کنند و یا از آن تفسیر و توجیه نادرست به نفع تمایلات امپریالیزم می‌نمایند و ...

همچنین ده‌ها توجیه و تفسیر و استدلال نادرست از جهان‌بینی علمی و تحریف واقعیت‌ها که گروه پیشوا پرستان چپ نما بدان دست می‌زنند و واقعیت‌های عینی را بمیل خود مستبدانه تغییر شکل می‌دهند، مسخ و مثله می‌سازند و ما بتدریج در آینده بر اساس اصول جهان‌بینی علمی خلاق به تحلیل و تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت. معهذالک بصورت موجز و فورمولبندی شده باید تشخیص داد که انحراف چپ بشکل انواع نظریات سوسیال بلانکیستی ظاهر می‌گردد. (بلانکیست‌ها طرفداران اوگوست بلانکی، انقلابی فرانسوی [۱۸۰۵ - ۱۸۸۱] استند نیروهای ترقی‌خواه اسلوب توطئه‌گرانه بلانکی را مورد انتقاد قرار می‌دهند. بلانکیزم مبارزه طبقاتی را نفی می‌کرد و راه خلاصی بشر را از قید بردگی مزدوری از طریق توطئه اقلیت کوچکی از روشنفکران می‌دانست).

اگر منحرفین راست با مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی، جریان جنبش انقلابی را کند می‌سازند، منحرفین چپ با مطلق کردن نیروی یک اقلیت کوچکی از روشنفکران خورده بورژوایی از طریق چپ روی و تلاش‌های مافوق انقلابی جریان جنبش را نه تنها کند، بلکه آن را به شکست هلاکتبار مواجه می‌سازند.

مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی و از نظر انداختن نقش عنصر آگاه (نقش پیشاهنگان جنبش سازمان سیاسی طبقه کارگر، جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک ... و غیره) از یکسو منتج به ابن‌الوقتی و انحراف راست و تسلیم طلبی به ارتجاع می‌گردد، از سوی دیگر مطلق کردن عنصر آگاه و از نظر انداختن نقش خود بخودی و شرایط عینی (رشد نیروهای تولیدی، تناسب عینی قوا در جامعه، وضع طبقات و درجه شعور سیاسی و طبقاتی و تشکل توده‌های مردم، مساعد بودن شرایط عینی داخلی و خارجی برای انقلاب) منتج به ابن‌الوقتی و انحراف چپ، می‌گردد. اولی ناشی از ایدیولوژی بورژوایی و دومی ناشی از انقلابی گری خورده بورژوایی است که با اصول جهان‌بینی علمی و مصالح خلق کارگر مباینت دارد.

در نتیجه: به کسانی که واقعیات را تحریف می‌کنند و روش اصولی و اخلاق مترقی را در مبارزه مطمح نظر قرار نمی‌دهند و از طریق صرفاً تحریفات غلط، مغازله با الفاظ و پخش یک مشت نظریات زهرآگین و یک سلسله دشنام و اتهام و دروغبافی‌ها می‌خواهند یاوه‌سرایی کنند و حقایق عینی را تحریف نمایند، خاطرنشان می‌گردد که نیروهای صدیق و اصولی در سراسر جهان در صدد آن نیستند که به ناسزاها و دشنام‌ها پاسخ گویند زیرا چنین روشن نه تنها مخالف جریانات ترقی‌خواه وطن‌پرست است، بلکه آنجا که حرف حسابی، حقایق و منطق چون صخره استوار است، نیازی بدشنام و ناسزا نیست، ولی لابد باید اعلام داشت که خط مشی خلاق و رزمنده را نتوان به اتهام و انتساب‌های بدون دلیل بدست آورد.

آنچه مبرهن است، عبارت از اینست که هم اکنون نتایج سوء جدل غیراصولی و شیوه انشعابگرانه دسته‌های ماجراجو زیر نام جهان‌بینی علمی در همه زمینه‌ها به خصوص در جهان سیاست کاملاً بزیان جبهه صلح، آزادی و دموکراسی و سوسیالیزم و جنبش‌های آزادی‌بخش کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و نهضت کارگری جهان منجر گردیده است.

ارتجاع و امپریالیزم در هر نقطه جهان از نتایج سو این حوادث و تفرقه و انشعاب و تشتتی که در میان نیروهای ترقی‌خواه بوجود آمده است، حد اکثر استفاده می‌نماید. هرگاه به شیوه‌های برخورد و دستگاه‌های تبلیغاتی محافل ارتجاعی امپریالیستی توجه گردد. بخوبی معلوم می‌گردد که سخنگویان‌شان این مرحله تشتت را در میان نیروهای ترقی‌خواه جهان «فرصت طلایی» اعلان می‌کنند. ریدرز دایجست (مجله آمریکایی) می‌نویسد که: اختلاف بین نیروهای ترقی‌خواه «فرصت طلایی» برای بسط فعالیت امپریالیست‌ها بوجود آورده است. در دایجست از زبان ریچارد نکسن چنین تذکر رفته است: «کسانی که نظر شان اینست که باید فعلا عقب نشینی کرد و منتظر موقعیت بهتری شد، وضع فعلی را که فرصت طلایی برای استفاده از موقعیت می‌باشد، بعلت بیمی که دارند در نظر نمیگیرند، امروز دشمن (مطلوب نیروهای ترقی‌خواه وطن پرست و غیره- نویسنده) ضعیف و متشتت است و هیچ زمانی بهتر از حالا فرصت مناسب برای حمله بدست نخواهد آمد ...»

همچنین در روزنامه «نیویارک تایمز» تذکر یافته که یکی از عواملی که شانس موفقیت مبارزات رهایی‌بخش ملی را کم می‌کند عبارت از اختلاف عظیم در میان نیروهای ترقی‌خواه است که یکی علیه دیگر به شدت مبارزه می‌کنند و «آن انرژی که این گروه ها علیه هم مصرف می‌کنند، نمیتواند علیه ایالات متحده مصرف شود. ...» و صدها مثال دیگر.

تشدید تجاوز (توجه کنید بالای کلمه تشدید تکیه می‌شود وگرنه ماهیت امپریالیزم همیشه تجاوزکار است) و شیوه ددمنشانه امپریالیزم و ارتجاع در کشورهای کم رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از نتایج سو این انحراف چپ و ماجراجویی است که تاریخ و قضاوت خلق‌های عظیم کارگر جهان مسئولیت بزرگ آن را بعهده تفرقه افگنان می‌گذارد که با عملیات انحرافی و انشعاب گرانه خود باعث تضعیف نیروهای ترقی‌خواه و جنبش رهایی‌بخش می‌گردند و به نفع ارتجاع و امپریالیزم عمل می‌کنند و ازینراه آب به آسیاب دشمنان طبقاتی خلق‌های کارگر و ملل تحت ستم جهان می‌ریزند. آنچه مسلم است و تجارب مبارزات رهایی‌بخش خلق کارگر مبین آنست عبارت از وحدت و همبستگی سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش‌های کارگری جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیزم در جهان می‌باشد که می‌تواند به تجاوز امپریالیزم و ارتجاع خاتمه دهد و جریان عظیم جنبش‌های دموکراتیک و مترقی جهانی را تسریع و به هدف غایی رهبری کند و این امر در صورتی تحقق می یابد که نیروهای صدیق و مبارز و دلیر ترقی‌خواه وطن‌پرست پرچم ظفرنمون را در چهارچوب اصول علیه انحرافات چپ و راست استوار نگهدارند و از هیچ کوششی برای احیای وحدت اصولی بر پایه جهان‌بینی علمی خلاق و اسناد و مصوبات مربوطه دریغ نکنند و دلیرانه در زیر این پرچم با ایمان شکست ناپذیر و اعتقاد راسخ به نیروی خلق‌ها در جهت تغییرات سریع بنیادی و کیفی اجتماعی پیش رود و دانش نوین و تئوری علمی پیشرو را با عمل مبارزه در آمیزد. نیرو و مشعل فروزان جهان‌بینی خلاق پایان نمی پذیرد و هرگونه انحراف چپ و راست از آن در زباله دان تاریخ می افتد، زیرا حقیقت زندگی آن را تأیید می‌کند. تنها اصول جهان‌بینی علمی خلاق می‌تواند مسایل اساسی مربوط به ترقی و تکامل جوامع بشری را از ریشه و بصورت بنیادی حل کند و بشریت را از تحت چنگال وحشیانه ارتجاع، ظلم و ستمگری و استثمار و امپریالیزم، فقر و جهالت و بیماری و جهل نجات دهد و در سیاره ما صلح و دموکراسی و دوستی بین ملت‌ها و زندگی شایسته و سعادتمند انسان را استقرار بخشد.

ره آورد عصر تاریخی نوین، ظفرمندی واقعی جهان‌بینی علمی زحمتکشان است!

کارگران فداکار و ماهریکه بیکاری و دربدری

حیات شانرا تهدید می‌کند

عده قابل‌توجهی از کارگران، نامه زیر را که نمودار برخورد ستمگرانه شعبات بیرحم با مولدین، سازندگان واقعی، یعنی کارگران محروم و ستمدیده کشور است، به اداره پرچم سپردند که مضمون آن را ذیلاً بمطالعه خوانندگان ارجمند تقدیم می‌کنیم.

ما با فداکاری و حساس شریف وطن‌دوستی سال‌ها سینه هندوکش را شکافته و شاهراه سالنگ، این شاهرگ اقتصادی و اجتماعی کشور را به وجود آوردیم، شاهراه تورغندی - قندهار، پروژه نغلو، کانال ننگرهار، بند سرده، سرک کابل- قندهار، دوشی و شیرخان بندر را با صرف خون دل و عرق جبین و با تحمل گرما و سرمای طاقت‌فرسا ایجاد کردیم. از مشکلات نه هراسیدیم و مردانه با طبیعت سرسخت و شرایط بد کار نبرد کردیم، مرگ دوستان، رفقا و نزدیکان خود را در حوزه کار و دور از یار و دیار بچشم دیدیم و تحمل کردیم. ولی دست از کار نکشیدیم و به بنیان‌گذاری زیربنای اقتصادی کشور عزیز خود شجاعانه و فداکارانه کوشیدیم و اما نتیجه؟ ...

با انجام عده زیادی ازین پروژه‌ها، بدبختی و سیاه روزی ما که این مبارزه با به خاطر آبادی کشور خود پیروزمندانه بسر رسانیده‌ایم، آغاز شد. زیرا کسی نتوانست با ایجاد پروژه‌های جدید ما را جذب کند. بنا بر آن آواره و سرگردان، شهر به شهر و اداره به اداره می‌گردیم، اما کجاست آن گوش هوشی که به فریادهای دردناک این جمع پریشان بدهکار شود؟

بیچارگی ازین بیشتر نمی‌شود که ما با وجود این همه خدمت و تلاش صمیمانه و با وجود این همه مهارت‌های فنی که در دوران کار فراگرفته‌ایم، امروزه نمی‌توانیم به نگاه‌های پر تمنی و التماس آمیز اطفال گرسنه خود جواب دهیم، نمی‌توانیم دوای اولیای ناتوان و مریض خود را تهیه کنیم و لااقل با ازالهٔ فقر غذایی مقاومتی در برابر مرض و ناتوانی در آن‌ها ایجاد نماییم، معهذا هرگز حاضر نیستیم طویله فیودالان را جاروب زنیم و دست تگدی به این و آن دراز نماییم. بنا بر آن بدنبال تهیه یک شغل شرافتمندانه پیگیرانه تلاش می‌کنیم.

بالأخره با شنیدن اعلانی از رادیو افغانستان مبنی بر اینکه ریاست میخانیکی فواید عامه به کارگران فنی ضرورت دارد، گلی از گل‌های آرزوهای ما شگفت، ولی دریغا که بزودی پژمرد! ...

باین معنی که ما با سیل خروشانی از بیکاران و با امیدواری فراوان بدانسو شتافتیم و بالأخره از انبوه امیدواران به تعداد یکصد و هشتاد نفر انتخاب و رسماً بغرض ایفای خدمت به پلخمری اعزام شدیم. آنجا هم مانند ما بیکاران فراوانی به انتظار کار نشسته بودند. به همه حال امتحانات فنی به پایان رسید، روزها تپیدیم و چه رنج‌ها که نکشیدیم تا از ولایت مربوط خود ضمانت خطها آوردیم و بالأخره کارمان بیک جمله تمام شد: «بما بودجه نرسیده، بشما ضرورت نیست!» نمی‌توانیم بگوییم تأثیر انفجاری این جمله در روح و ذهن ما چه بود، معهذا بکابل شتافتیم، ریاست میخانیکی مکتوبی بما داد، دوباره به پلخمری رفتیم باز هم چه می‌توانست باشد جز: «همان آش و همان کاسه!» برای سومین بار بکابل آمدیم، باز مکتوبی بما دادند و به مرجع آمال خویش پلخمری شتافتیم، ولی این بار جواب تازه و دندان‌شکنی (!) گرفتیم و آن اینکه: «شما بلوایی و انقلابی هستید، بشما ضرورتی نیست!»

اکنون شما قضاوت کنید، سه ماه دویدن و تپیدن، رنج بردن و امتحان دادن، قرض کردن و ضمانت آوردن، شب‌ها و روزها سفر کردن و بی‌خوابی کشیدن و بالأخره باز هم بیکاری و دربدری!

آیا مسئولیت عواقب خطرناک و نامطلوب این همه بی‌دردی و احساس عدم مسئولیت به گردن کیست؟ و کجاست آن مقامی که داد از حمایت مظلومان در برابر این همه خودسری‌ها و بی بند و باری‌ها می‌زند؟!

پرچم
د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند مرکزي ارګان

رویدادهای مهم سیاسی جهان
در هفته گذشته

در آمریکا:
ترور رابرت کنیدی نامزد ریاست جمهوری آمریکا بار دیگر مردم جهان را متوجه نظام حاکم در کشوری ساخت که آدم کشی و جنایت در آن موثر ترین حربه پیروزی بر مخالفین و رسیدن به اهداف سیاسی گردیده است. واقعه قتل رابرت کنیدی و دیگر حوادث در امریکا دیپلومات‌های خارجی مقیم آمریکا را شدیداً نگران ساخته است. چنانکه نماینده تازانیا و یکعده دیگر از نمایندگان خارجی به خبرگزاری تاس گفته‌اند که آنچه در آمریکا می‌گذرد انعکاسی از سیاست خارجی این کشور است. آمریکا در تمام جهان سیاست ترور، زور و آدم کشی را اساس سیاست خود قرار داده است و هر صدای ضد سیاست خود را با گلوله جواب می‌دهد.
امپریالیستان عادت کرده‌اند که هر مسأله را باید حتماً با زور و فشار حل کنند، ترور اشخاص بزرگ وسیله ایست برای حفظ هژمونی انحصارات امپریالیستی.
«حاکمیت محافل وابسته بصنایع نظامی منجر به تسلط رژیم فاشیستی ترور و رواج جنایت می‌گردد – وقتی دولت علی‌رغم مخالفت وسیع افکار مردم جهان بخون ریزی در ویتنام خاتمه نمیدهد، بمباران کشوریرا که هزاران کیلومتر از آمریکا فاصله دارد قطع نمیکند، نمیتواند روش دیگری را برای مبارزه با مخالفین خود در داخل کشور در پیش گیرد. ترور و آدم کشی حاصل مستقیم سیاستی است که در آمریکا تسلط دارد» با قتل رابرت کنیدی دستگاه تبلیغاتی امپریالیزم آمریکا سخت به گردش درآمده است و می‌کوشد توجه مردم آمریکا را از علت اصلی ترور کنیدی به جهت دیگر سوق دهد... دستگاه تبلیغاتی آمریکا سعی می‌کند نشان دهد که قاتل رابرت کنیدی مربوط به جامعه بیمار آمریکا نبوده، بلکه یک غرب فلسطینی است. او رابرت کنیدی طرفدار اسراییل بود، اگر چنین باشد پس چرا نکسن، راکفلر، همفری، گولد واتر که حامیان سرسخت اسراییل می‌باشند، کشته نمی‌شوند. آیا آن‌ها طرفدار عرب‌اند؟
جان اف. کنیدی را کی کشت؟ مارتین لوترکینگ را کی کشت؟ جواب روشن است. این قاتلین یکی هم عرب نبود، همه آمریکایی و مربوط به جامعه به اصطلاح «آزاد»، «جامعه رفاه عمومی» و «جامعه بزرگ» آمریکا می‌باشند. آن‌ها ازین سبب قاتل رابرت کنیدی را عرب اعلان می‌نمایند تا از یکسو بر اسراییل من گذارده باشند و از طرف دیگر از قتل رابرت کنیدی غرض تخویف و تهدید اعراب استفاده کنند و از جانبی هم بروی علت اصلی ترور رابرت کنیدی پرده کشیده باشند. مگر مردم آمریکا بخوبی می‌دانند که گانگستریزم سیاسی محصول طبیعی تضادهای داخلی نظام سرمایه‌داری مسلط آمریکا می‌باشد، چنانچه یک نفر دانشمند برجسته آمریکایی ضمن تبصره‌یی اظهار داشت که قتل رابرت کنیدی این واقعیت را یکبار دیگر تأیید کرد که در آمریکا گانگستریزم، تروریزم و ارتجاع سیاه حاکم است.
محصلین پوهنتون‌های نیویارک در اثنا تظاهرات خویش بروی لوحه‌هایی که حمل می‌کردند نوشته بودند: «رابرت کنیدی قربانی سیاست جنایتکارانه آمریکا در ویتنام شد، آن‌هایی که می‌خواهند جنگ ویتنام ادامه پیدا کند، کنیدی را کشتند.»

در اروپا:
پاریس: اعتصاب ده ملیونی کارگران فرانسه با پیروزی پایان یافت. کارگران اعلان کردند که بسیاری از خواست‌های‌شان مورد قبول واقع شده است. اتحادیه عمومی کار فرانسه اعلان کرد که این موفقیت در ده سال گذشته بی‌مانند است. مگر اعتصاب کارگران فابریکه رینو ادامه دارد و کارگران برای آن‌ها پول جمع‌آوری می‌کنند.
بن: ۶۰ هزار محصل در آلمان فدرالی دست باعتصاب زدند، محصلین خواهان اصلاحات در امور تعلیمی می‌باشند که به اثر آن بین پولیس و محصلین چندین برخورد صورت گرفته است.

در آسیا:
هانوی: در هفته گذشته ۱۱ طیاره آمریکایی توسط آتش توپخانه ضد هوایی ویتنام شمالی سقوط داده شد و باین صورت تعداد طیارات سقوط داده‌شده آمریکایی در فضای ویتنام شمالی به ۲۹۶۸ بالغ گردیده است.
وینتیان: دسته‌های ملی لاوس ۲ طیاره آمریکایی را سقوط دادند و باین صورت تعداد طیاراتی که بالای مناطق تحت تصرف بتتلاوها سقوط داده‌شده، به ۸۰۲ طیاره و هلیکوپتر بالغ می‌گردد.
سیگون: در ماه می ۷۲ هزار نفر عسکر دشمن و از جمله ۳۱ هزار عسکر آمریکایی بقتل رسیده‌اند. همین خبر می‌رساند که بشمول طیارات جنگی ۳۱۰۰ وسیله بزرگ جنگی آمریکایی‌ها و متحدین جنگی آن در ویتنام جنوبی از بین رفته است.
انقره: سراسر ترکیه را موج اعتصابات و تظاهرات فراگرفته است. ۲۰ هزار محصل درین اعتصابات اشتراک دارند. اعتصاب‌کنندگان بروی لوایح شعارهای «اصلاح وضع درسی، دادن بورسها به مستحقین، تقلیل قیم و اخراج استادان مرتجع از پوهنتونه» نوشته بودند. در اثر این تظاهرات امتحان‌های سالانه معطل گردید.

د کندهار د میوی فابریکه وټرل شوه
او (۳۵) تنه کارګران یی بی کاره شول

د پرچم خبریال د کندهار نه خبر راکوی چه په کندهار کی د میوی فابریکه (شرکت میوه) د نوموړی شرکت د مدیره هیأت د تصمیم په اثر پر مخ تړل شوی او (۳۵) تنو کارګرو ته یی ځواب ورکړی دی. د فابریکی خاوندانو په خپله وعده هم وفا نده کړی او د قرار داد سره سم دوی میاشتی د مخه یی کارګرانو ته د خپل دغه تصمیم څخه اطلاع نده ورکړی او هم یی د یوی میاشتی پر معاش چه د کارګراو حق دی او په قرار داد کی یی پیش بینی شویده خوله پټه کړیده.
خبریال وایی چه دغه کارګران په ډیر تشویش د ځان او اولاد د آینده په فکر کی دی چه څه وکړی او چیری لاړ شی ځکه چه په بل ځای کی هم د دوی دپاره د کار پیش بینی نه ده شوی او نه اصلا کار شته.
پرچم: پداسی حال کی چه د حکومتونو د غلط سیاست په اثر د دغی ستری تولیدی موسسی په تړل کیدو او د هغی د کارګرو په بی کاره کیدو خپله خواشینی څرګندوی او خپله وظیفه ګڼی چه د هغو آواز او شکایت د خلکو غوږونو ته ورسوی او د مربوطو مقاماتو دغه غیرقانونی عمل رسوا کړی.

اعتراض کارگران یونت قیریزی
پروژه پلخمری –شبرغان بر رفتار سوء آمران پروژه

در شماره گذشته جریده پرچم وعده داده شود بود که خبر اعتصاب کارگران زحمتکش پروژه پلخمری-شبرغان را درین شماره نشر میکنیم.
خبریال پرچم از پلخمری اطلاع می‌دهد که کارگران یونت قیر ریزی پروژه سرکسازی پلخمری- شبرغان برای نخستین بار بتاریخ ۱۰ جوزا از ساعت ۶ تا ۱۰ قبل از ظهر بصورت یک عکس العمل در برابر استبداد و تحکم آمران پروژه دست باعتصاب زدند. علت اساسی این عتصاب اجرات بی بند و بار و مستبدانه کارفرمایان پروژه است که رویهم تراکم نموده و درین اواخر به خاطر یک اقدام غیرقانونی آمران پروژه تحقق پذیرفته است.
درین اواخر آمران پروژه تصمیم گرفتند، علاوه بر گرفتن ضمانتها و تذکره های کارگران، یکماهه معاش ایشان را نیز طور تضمین نقدی وضع نمایند.
چون شرط اخیرالذکر برای کارگران پروژه که هیچ مدرک دیگری جز معاش برای زندگی ندارند، قابل‌تحمل نبود، دست باعتصاب زدند. یک خبر دیگر می‌رساند هنگامیکه کارگران از تضمین نقدی معذرت خواستند، معاون اداری پروژه اخطار داد که هر شخصی که باین شرط موافقه نکند، از پروژه اخراج خواهد شد. کارگران زحمتکش وقتی دیدند که عده یی از برادران کارگر شان مورد توهین، فشار و تعجیز قرارگرفته‌اند، به عنوان دفاع از حقوق قانونی، کرامت و کار سرکسازان دست باعتصاب زدند. قرار معلوم این اعتصاب در اثر وعده آمرین پروژه که بر تصمیم خود تجدیدنظر خواهند کرد، ساعت (۱۰) قبل از ظهر همانروز خاتمه یافت. ولی بعداً بتاریخ ۱۴ جوزا کارگران جدا تقاضا کردند تا وعده‌های داده‌شده ایفا شود و علاوتا بمنظور رفت و آمد کارگران متاهل وسایل حمل و نقل از خانه تا محل کار و از محل کار تا خانه تعیین گردد. کارگران بصورت اعتراض گفتند: تعجب میکنیم که چرا در مورد حمل و نقل کارگران تا منازل شان که مصارف بسیار جزئی را ایجاب می‌کند، مقاومت میکنید ولی بر عکس در مورد موتر دوانی های آمرین، در مورد اختلاس تانکهای بسته پترول، در مورد فروش سیخهای گول پروژه و اقسام سو استفاده‌ها که بضرر و حتی بقیمت تباهی اقتصاد کشور تمام می‌شود، هیچ امانتداری، تقوی و صرفه جویی وجود ندارد. کارگران جدا تذکر دادند که باید حقوق ایشان اعاده شود و از دستبرد در دارایی عامه خودداری بعمل آید. مطالبات کارگران یونت قیر ریزی بعداً در مجموع مطالبات تمام کارگران پروژه پلخمری- شبرغان که بحیث یک رهپیمایی خبر آن را در صفحه اول همین شماره نشر کرده ایم، بارز کرده است.

تظاهرات شاگردان معارف، کارگران، دهقانان
و اهالی ولسوالی حضرت اما در ولایت کندز

بتاریخ ۱۶ جوزا شاگردان بنونځی متوسطه ولسوالی حضرت امام بغرض تأمین یک سلسله مطالبات قانونی خویش، دست به تظاهرات خیابانی زدند. شعارهای گرم این تظاهرات که از طرف انبوهی از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و اهالی استقبال و همراهی گردید، عبارت بود از:
- زنده‌باد جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، پیروز باد نیروهای دموکراتیک و پرچمداران راه آزادی، زنده‌باد طبقه جوان کارگر، جاوید باد اتحاد کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران مترقی کشور، زنده‌باد نمایندگان واقعی خلق و مرده باد استبداد، استعمار، فیودالیزم و امپریالیزم.
تظاهرات علی‌رغم مقاومت دستگاه اداری آنجا و مسدود شده درب آهنین فابریکه بروی کارگران مبارزه و ستمدیده، بغرض جلوگیری از اشتراک آنان درین مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی، با اشتراک عده‌یی از کارگران باشعور و شجاع بندر قزل‌قلعه تا پایان روز با شور و حرارت بی‌سابقه و ایراد بیانیه‌های پر جوشی طی چندین میتینگ خیابانی ادامه داشت. بالأخره متصدی معارف آنجا مجبور گردید در برابر تظاهرکنندگان حاضر شده، مطالبات تحریری‌شان را تسلیم شود و کتباً تعهد نمود که یادداشت تظاهرکنندگان را بمقام مسؤول تسلیم دهد و بزودی ممکنه جواب آن را ارایه نماید.
مطالبات عمده تظاهرکنندگان که تسلیم نماینده معارف گردیده عبارت است از:
- تعمیر عمارت بنونځی که مصرف ساختمانی آن سه سال قبل از طبقات محروم، مخصوصاً دهقانان تهیدست جمع‌آوری شده، ولی تا کنون از عمارت بنونځی اثری دیده نمی‌شود.
- ارتقا بنونځی متوسطه به لیسه که از ۳۱ سال باین‌طرف برای نفوس بیش از پنجاه هزار نفر، بحال متوسطه مانده و فرزندان مستعد این منطقه از تحصیلات عالی و مسلکی محروم مانده‌اند.
- عمارت شفاخانه بقیمت خون طبقات محروم این منطقه آباد شده، لیک برای بیش از پنجاه هزار نفر، از پرسونل فنی فقط یک داکتر و یک جراح و یک پرستار دارد، باید جدا باین امر توجه شود.
- بند شهروان که بمبلغ بیست و یک ملیون افغانی بکمک زارعین بیچاره آباد گردیده، اکنون سوم حصه آب سابقه را بمردم نمی‌دهد و دو سال است کشت‌های اکثر مردم این گوشه وطن به قطعات بی‌حاصلی تبدیل شده است. چرا مقامات مسئول درین زمینه تا کنون کاری از پیش نبرده‌اند؟
- این وضع برای دهقانان قطعاً قابل‌تحمل نیست که مجبور باشند حتماً به عوض شالی، صرف بغرض تأمین سود فابریکه داران حریص، پخته بکارند و از هر جریب بمقدار ۴۵ سیر پخته به شرکت تحویل بدهند و اگر باین امر موفق نشوند، باید فی سیر سه افغانی جریمه بپردازند.
- مزد کارگران سپین زر شرکت و شیر خان بندر قطعاً با درجه لیاقت و سابقه کار آنان متناسب نیست و همچنان مزد اضافه کاری‌شان توسط مأمورین حیف‌ومیل می‌شود، باید درین زمینه جدا توجه گردد و همچنان از اخراج غیرقانونی کارگران آگاه جلوگیری به عمل آید.
تظاهرکنندگان در جریان مظاهره و همچنان در پایان یادداشت خویش از ظلم و ستمگری، خودسری‌ها و اینکه حقوق مردم همیشه از طرف مقامات حکومتی پامال می‌گردد، انتقاد نموده و تعهد کردند که اگر اشتراک کنندگان در مظاهره، مخصوصاً متعلمین مورد تهدید قرار گیرند، جدا از ایشان پشتیبانی خواهند نمود. مظاهره چیان که از پشتیبانی جدی مردم این ناحیه برخوردار بودند، تعهد نمودند که به مبارزات دلیرانه خود برای برآورده شدن این خواست‌ها و احیای حقوق خلق محروم خویش ادامه خواهند داد.

مطالبات قانونی کارگران فداکار
فابریکه سمنت غوری

بروز ۱۴ جوزا اداره فابریکه سمنت غوری، به مناسبت آغاز مجدد کار فابریکه که بعد از یک دوره توقف جهت ترمیمات لازم صورت می‌گرفت، در داخل فابریکه مراسمی تشکیل داده و از کارگران فابریکه سمنت جهت اشتراک در آن دعوت کردند. اما کارگران شجاع و باهوش فابریکه که آغاز دوباره کار را شروع مجدد استثمار ظالمانه و بهره‌کشی از نیروی دست و دماغ خویش می‌دانستند، برای جلوگیری از ستمگری‌های که در گذشته نیز برایشان تحمیل می‌شد، از اشتراک درین مراسم اجتناب ورزیده و ضمن متینگ با حرارتی شیوه‌های ظریفانه و چاپلوسی‌های محیلانه کارفرمایان را که همیشه در چنین مواقع بغرض تطمیع و تحمیق کارگران بکار برده می‌شود، افشا کردند.
در پایان میتنگ و اجتماع کارگران، رییس فابریکه حاضر شد تا یادداشت تحریری آنان را تسلیم شود و بایشان وعده دهد که هرچه زودتر خواست‌های ایشان را به مقامات بالاتر مطرح نماید و در برآوردن آن از هیچگونه کمک مضایقه نکند.
کارگران بدون اشتراک در مراسم رسمی بکار آغاز کردند و بروز ۱۷ جوزا درحالی‌که عده زیادی از کارگران حاضر بودند، میتنگ (اجتماع) دیگری در باغ ذخیره پلخمری دایر و ضمن ایراد مطالب جانداری پیرامون ستم‌هایی که بر کارگران روا می‌دارند و اشکال ظالمانه استثمار کارفرمایان، بغرض تسهیل امر مبارزه خویش یک تن از کارگران آگاه و فداکار را به عنوان نماینده خود تعیین نمودند تا با مقامات مربوط فابریکه در تماس باشد و ضمناً فیصله کردند که اگر به نماینده ایشان و یا یکی از رفقای هم صنف آنان کوچکترین تهدید و یا ضرری متوجه شود، متحدانه در دفاع از اویشان به مبارزه بپردازند. این هم متن یادداشت و مطالبات کارگران موصوف که عیناً و بدون تصرف در ذیل این سطور به خدمت خوانندگان عزیز پرچم تقدیم می‌شود:
«بمقام محترم ریاست موسسه سمنت غوری!
معروضه خویش را ما کارگران زحمتکش و بیچاره فابریکه که در بدترین شرایط (۵۶ الی ۶۰ درجه سانتی گرید) کار می‌کنیم و سرمایه ملی را با عرق ریزی و بی‌خوابی‌های ممتد خویش بوجود آورده و تسهیلات تأمین زندگانی مرفه همگان را فراهم می‌سازیم، توقع می‌شود که مقام محترم ریاست در حصه حقوق ما کارگران که تا کنون تلف و بی‌رحمانه زیر پا گذاشته‌شده توجه فرمایند.
- رخصتی روز پنجشنبه بعدازظهر، اگر دوام کار ایجاب کند اجرت دوچند پرداخته شود.
- تهیه منزل رهایش برای کارگران و یا کرایه آن.
- هفتاد روز رخصتی، ضروری و مریضی با معاش.
- نان پخته در هر تایم کار یک وقت.
- قبول بیمه صحی بشمول اعضای فامیل کارگران الی یافتن صحت.
- سرشته اساسی پول‌های ذخیره کارگران که بدوران اند پرداخته شود.
- کوپراتیف و فیصدی.
- پول بخششی که همه‌ساله برای کارگران که از حاصل دسترنج‌شان به وجود می‌آید به خودشان تادیه شود.
- افزودی معاش به اندازه لازم.
بما کارگران رنجدیده بذل توجه نمایید، ما حصول مطالبات فوق را که همه قانونی و قابل‌اجرا و حقوق حقه ماست خواهانیم تا بتوانیم با استفاده از حقوق فوق حد اقل زندگی خود را تأمین کنیم و ازین مرگ تدریجی و زندگی طاقت‌فرسا رهایی یابیم.
موضوع بدین وسیله معروض و اقدامات موسسه را درین مورد انتظار می‌بریم.
(مهر و امضا کارگران)»
پرچم: درحالی‌که مطالبات قانونی کارگران فداکار فابریکه سمنت غوری را جدا تأیید می‌کند، معتقد است که شکم‌های گرسنه، تن‌های برهنه، اطفال مریض و آوارگی این کارگران شریف را با برگزاری مراسم و برنامه‌های تشریفاتی نمی‌توان چاره کرد، باید کاری کرد که این نیروهای با ارزش بشری در کشور ما بیهوده ضایع نگردد.

اعتصاب محصلان شعبه اداری پوهنځی
تعلیم و تربیه

اعتصاب محصلان شعبه اداری تعلیم و تربیه که از ۹ جوزا شروع شده بود، تا کنون ادامه دارد. این شعبه که قبلاً بمنظور تربیه کردن پرسونل اداری برای وزارت معارف تأسیس شده بود، بعداً به اثر فیصله کمیته‌های توامیت کولمبیا بحیث شعبه تربیه معلمین تغییر کرده است و پروگرام آن با هدف پرورش معلمان مطابقت ندارد. محصلان جدا می‌خواهند تا پروگرام کنونی که محتوی مبادی ۳۵ مضمون پراگنده می‌باشد، بیک پروگرام مثمر و مفید مسلکی تعویض شود. محصلان در مورد مطالبات خود یک قطعنامه صادر نموده و طبق اطلاع درین اواخر به اساس مطالب خود قطعنامه با وزیر معارف صحبت کرده‌اند. گفته می‌شود که وزیر معارف تصمیم گرفته است تا امروز در باره مطالبات محصلان با استادان پوهنځی جلسه‌ای دایر نماید و قرار وزارت معارف را درین مورد صادر کند. به همین مناسبت محصلان تعلیم و تربیه فیصله کرده‌اند، اعتصاب خود را تا امروز ادامه بدهند بعد بر اساس فیصله وزارت معارف تصمیم بگیرند اهداف اعتصاب محصلان تعلیم و تربیه بصورت فورمولبندی شده قرار آتی است:
۱- باید ما را اداره چی و یا معلم درست تربیه کنند.
۲- باید نصاب تعلیمی موجود در پوهنځی تعلیم و تربیه که تحت تأثیر فرهنگ استعماری قرار دارد، متروک شود و نصاب تعلیمی جدید، مفید، مکمل، مترقی و طبق نیازمندی‌های توده‌های عظیم خلق افغانستان در عصر حاضر تنظیم و تصویب گردد.

پـــرچـــــم
هره دوشنبه خپریږی
د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:
سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان
اشتراک
په مرکز کی د کال ۱۰۰ – افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه ګڼه ۲ – افغانی
تایپ متن: فرهاد بارکزی، ویرایش جدید: عمر فیض
دولتی مطبعه

محصلان آگاه دارالمعلمین عالی و شاگردان مبارز دارالمعلمین کابل به منظور تأمین خواست‌های صنفی و حق تحصیلات عالی تخصصی دست به اعتصاب زده اند که جریان و نتایج آن در آینده نشر می‌گردد.